ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰ ■ ۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۹- شماره ۶۷۰۴

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

WWW.INN.IR

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

مهرداد خدیر

خانم مربی اسکی و اجازه صادر نشده همسر برای خروج از کشور

جای خالی مصلحت

سرمربی تیم ملی اسکی زنان در رشته آلپاین نتوانسته بازیکنان و اعضای تیم را در سفر به جام جهانی ایتالیا همراهی کند. چرا؟ چون همسر خانم سمیرا زرگری به او اجازه خروج از کشور را نداده بود و ناچار از فرودگاه به خانه بازگشت. (اینکه خبر را اولین باریک روزنامه چاپی معتبر- شرق- منتشر کرده هم به لحاظ رسانه‌ای قابل توجه است چون رسانه های چاپی و کاغذیِ ما بیش از حد به اخبار خبرگزاری های رسمی و غالبا با بودجه های دولتی و عمومی متکی شده اند).

البته این چندمین بار است که چنین اتفاقی رخ می دهد و یک زن ورزشکار از حضور در یک مسابقه بین المللی بازمی ماند چون خروج زن شوهردار بدون اجازه همسر ممنوع است و قانون، ورزشکار و استاد دانشگاه نمی شناسد و برای خروج به اجازه همسر نیاز است.

به این داستان می توان سه نوع نگاه داشت. نگاه اول، مخالفت با این قانون است و طرح این پرسش که چرا یک خانم ۳۸ ساله و شناخته شده باید برای خروج از کشور از همسر خود اجازه بگیرد؟

نگاه دوم این است که حکم شرع و قانون استثنابردار نیست و همانطور که خانم می تواند مهریه خود را به اجرا گذارد و شوهر خود را ممنوع الخروج کند، مرد هم می تواند از خروج همسر جلوگیری کند. چرا که چه بسا قصد بازگشت نداشته باشد (این مورد خاص، منظور نیست) یا شوهر اطلاع نداشته باشد و نمی توان زنان را بر اساس شغل تفکیک کرد و اساساً شرع یا قانون به شغل شخص کاری ندارد. به عبارت دیگر غرامت و غنیمت با هم است و خانم هایی که روز عقد بر ۵۰۰ سکه اصرار دارند، نمی توانند در این فقره مدرن باشند چون سنت، درهم است!

نگاه سوم اما بر اساس مصلحت و فارغ از دو مورد بالا ست: امام خمینی در تعارض عرف و شرع، به مصلحت روی می آورد. به عنوان مثال در شرع، رابطه کارگر و کارفرما به صورت اجیر و موجر تعریف می شود ولی در جمهوری اسلامی با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، قانون کار اجرا می شود که ضلع سومی را به دو ضلع کارگر و کارفرما افزوده که همانا دولت است. یا در شرع حداقل سن کارگر و ساعت کار نداریم ولی در قانون کار داریم.

بنابراین راه حل ساده و مبتنی بر اصل مصلحت این است که دولت لایحه بدهد یا مجلس طرحی را به تصویب برساند که چهره های ملی در عرصه های ورزشی و علمی و ادبی از شمول این قانون مستثنا باشند. در واقع مستثنا هم نمی شوند. بلکه به جای همسر، حاکم شرع یا دادستان اجازه می دهد. همان گونه که وقتی دختری خواستگار مناسبی دارد ولی پدر او به دلایل واهی مخالفت می کند، می تواند اجازه عقد خود را از قاضی بگیرد و معطل پدر نماند.

برای این منظور می توان کمیسیون خاصی تعریف کرد. در این حالت، خانم سرمربی به این کمیسیون مراجعه می کند و ابتدا با شوهر او تماس می گیرند و می گویند پای اعتبار ملی در میان است. اگر دلیل قانع کننده ای دارید بیان کنید و اگر صرفاً به قصد مقابله به مثل یا به دلیل دیگری است کمیسیون تصمیم بگیرد.

در این فقره اما می توان حکومت را با اصل مصلحت دخالت داد. هر چند ابتدا باید همسر را توجیه کرد که اگر مانع سفر شوی و او را به خانه بازگردانی تنها جسم او در خانه است و دل و روح او نیست. هنر این است که جسم و روح و دل و جان او با تو باشد.

پیداست که این نوشته از منظر وجهه ورزشی یا علمی فرد نوشته شده وگرنه وقتی زنی مایل است از ابزار مهریه استفاده کند، مرد را چگونه می توان از استفاده از ابزارهای خود بازداشت یا ممکن است مرد وزن نقش های اجتماعی خود را به درستی ایفا کنند ولی برای همسر خود همسر کاملی نباشند یا به دلایل مختلف با هم مشکل داشته باشند.

به جای اینکه باب مصلحت را ببندیم آن را بگشاییم. اینکه تیم ملی اسکی زنان در مسابقه بین المللی شرکت کند امری کاملاً مدرن است وگرنه کجای سنت زن اسکی باز داریم؟

اگر نمی توان قوانین مدرن را درباره آن اعمال کرد، به طریق اولی نگاه سنتی را هم نمی توان در مقوله اسکی رایج کرد. چاره کار و راه حل بینابین همان نگاه مصلحتی و از منظر منافع و مصالح کلان ملی است. یک لحظه تصور کنیم دیگر شرکت کنندگان وقتی بشنوند دلیل غیبت مربی تیم ایران چیست، چه قضاوتی خواهند داشت و چه خشم و کینی در دل خانمی که بازمانده شکل می گیرد؟

(این مطلب پیش تر در سایت عصر ایران منتشر شده است)

عکس روز

کیک بوکسینگ در پارک لاله

کیک بوکسینگ و رشته های مشابه در سال های اخیر حسابی مورد توجه جوانان قرار گرفته اند. دختر و پسر هم ندارد. این رشته ها باب میل نسل جدید است. کرونا اما روی رشته هایی چون کیک بوکسینگ که اساساً در فضاهای سربسته انجام می شود و دم و بازدم زیادی دارد، تأثیر بسیاری گذاشت و خیلی از باشگاه ها را به تعطیلی کشاند.

روز جمعه تمرین مشترک سبک فول کیک بوکسینگ استان تهران در دو بخش آقایان- بانوان با حضور استاد بزرگ این سبک «محمد طهماسبی» در پارک لاله برگزار شد؛ راه فراری برای فرار از ویروس منحوس.

عکس را سکینه سلیمی برای خبرگزاری برنا ثبت کرده.

سوژه روز

احسان محمدی

وزیر حق دارد کری فوتبالی بخواند؟

بعد از پیروی ۵- صفر پرسپولیس مقابل گل گهر سیرجان که باعث شد این تیم در پایان نیم فصل لیگ برتر در صدر جدول قرار بگیرد، آذری جهرمی وزیر ارتباطات در استوری اینستاگرام نوشت: «گل گهر به گل دیگه خورده بود، به رکورد استقلال می رسید. ولی خب رکورد استقلال دست یافتنی نیست»

این کری خوانی فوتبالی باعث جنجال شد. در فضای هواداری طبیعی است. یعنی اگر استقلال قهرمان نیم فصل می شد و مثلاً وزیر نیرو چنین چیزی می نوشت جای موافق و مخالف عوض می شد. افرادی که الان می گویند این کری خوانی توهین آمیز است و او باید عذرخواهی کند احتمالاً مثل هواداران رقیب که ذوق کرده اند، می گفتند: «چرا عذرخواهی؟ لطف فوتبال به همین چیزهاست!»

آذری جهرمی در گفت وگو با رادیو گفت نیازی به عذرخواهی نمی بینم. به عنوان یک هوادار جوان فوتبال حق دارم برای رقیب کری بخوانم. فضای جوان فضای هیجان است و من برخلاف عده ای که پنهان می کنند واقعیت را گفتم که علاقه به یک تیم دارم. ما بالاتر از وزیر داریم که هوادار استقلال است. چه ایرادی دارد؟ دیگران هم برای من کری خوانده اند. مثلاً آقای خلیل زاده، رئیس هیأت مدیره باشگاه استقلال نوشته «رؤیای شما، خاطرات ماست» چه ایرادی دارد؟ اینقدر فضا را تنگ نکنید.

این سخنان اما به مذاق استقلالی ها خوش نیامده است. می گویند وقتی هر دو تیم دولتی هستند، نباید یکی از اعضای هیأت دولت مثل یک هوادار دو آتشه برای رقیب کری بخواند. این رفتارهای پوپولیستی در شأن وزیر نیست و نشان دهنده حمایت ویژه از تیم خاص است. ما تیمی پرافتخار هستیم که با این کری ها چیزی از ارزش هایمان کم نمی شود اما وزیر جوان روی ما و رأی احتمالی ما حساب نکند. وقتی تیم ما در آسیا قهرمان می شد شما به دنیا هم نیامده بودی. شما در عدم موفقیت استقلال دخیل هستید و...

کسانی اما معتقدند باید دست از مقدس سازی فوتبال برداشت و کری خوانی ایرادی ندارد. اتفاقاً این فشارها باعث می شود بقیه دست به پنهانکاری بزنند و رياکارانه بگویند هوادار هیچ تیمی نیستند. این بدتر است یا اظهارنظر صادقانه؟

وزیر و وکیل و رئیس جمهور انسان هستند و طبعاً اگر به فوتبال علاقه مند باشند احتمالاً به یکی از تیم های بزرگ گرایش دارند تا اینجای کار هیچ ایرادی ندارد اما اگر برای برتری تیم محبوب خود مداخله کردند و از منابع عمومی سوءاستفاده کردند، این رفتاری مجرمانه است و گرنه هواداری صرف چه ایرادی دارد؟ باید تلاش کنیم فضای مناسبی ایجاد شود و ظرفیت ها بالا برود تا بقیه هم هواداری شان را پنهان نکنند. همانطور که تا چند سال پیش بعضی از بازیگران سینما و خوانندگان و نویسندگان هم از ترس ریزش هوادار و احتمالاً دشنام شنیدن گرایش شان به یک تیم را پنهان می کردند ولی حالا حتی لباس تیم محبوب را می پوشند و در قالب تیم هنرمندان آن باشگاه بازی خیریه برگزار می کنند.

بسیاری از مخالفان وزیر جوان با این حرف ها متقاعد نمی شوند. طولی نمی کشد که با یک جمله از سوی یک مقام مسئول و سفیر و وزیر در حمایت از استقلال، جای موافق و مخالف عوض می شود و همین جملات و حملات را این بار از زاویه دیگری شاهد خواهیم بود، چون مدتهاست در این کشور «معنا و مفهوم حرف یا اینکه چه کسی و چرا گفته» مهم نیست، مهم این است که آیا در راستای منافع و علایق من هست یا نه؟ اگر بود «کلام گهربار است و باید قاب گرفت» اگر نبود «مزخرف گفته» به همین سادگی! همه چیز را منافع تعیین می کند. از سیاست تا فوتبال.

خبر آخر

هفته پانزدهم لیگ آزادگان؛ جدال مدعیان در حافظیه برنده نداشت

هفته پانزدهم رقابت های لیگ آزادگان با برگزار هفت دیدار به اتمام رسید.

دو تیم مدعی فجر سپاسی شیراز و هوادار در ورزشگاه حافظیه به تساوی یک بر یک رسیدند تا امتیازات را میان خود تقسیم کنند.

در آستارا شهرداری موفق شد مقابل استقلال خوزستان به پیروزی با ارزش یک بر صفر دست پیدا کند تا به جایگاه دوم جدول صعود کند.

در تهران شگفتی بزرگی رقم خورد و قشقایی شیراز با نتیجه ۳ بر یک بادران مدعی را شکست داد تا چند پله در جدول رده بندی صعود کند.

۹۰ ارومیه و رایکا بابل در ورزشگاه شهید باکری ارومیه به تساوی بدون گل رسیدند. این مسابقه باعث شد تا نماینده ارومیه از قعر جدول به رتبه هفدهم صعود کند.

در اهواز استقلال ملاثانی و ملوان رودروی یکدیگر قرار گرفتند که این جدال پس از ۹۰ دقیقه تلاش به تساوی بدون گل رسید.

در بوشهر شاهین شهرداری مقابل گل ریحان بحران زده قرار گرفت، شاگردان فراز کمالوند در این جدال به پیروزی دو بر یک رسیدند. گل ریحان نماینده استان البرز که در این فصل نتایج خوبی نگرفته است، شکست دیگری در کارنامه اش ثبت شد تا در قعر جدول قرار گیرد.

تک به تک

میعاد نیک

حرکت بی سر و صدای سرخ ها

جنگ ستارگان

لیگ بیستم در شرایطی به نیمه راه رسیده که مانند ۴ سال اخیر، فوتبال ایران شاهد حکم فرمایی سربازان ارتش سرخ است و سایر تیم ها هم به دنبال نزدیک شدن به پرسپولیس. در واقع فوندا سیونی که تئوریسین کروات در باشگاه پرسپولیس بنانهاد، از چنان استحکام و مقاومتی برخوردار است که رفتن ها و آمدن ها هرگز نتوانسته خدشه ای دائمی به روند نتیجه گیری قرمزها وارد سازد. فرقی نمی کند گابریل کالدرون و یا یحیی گل محمدی؛ هر سرمربی دیگری هم که وارد این باشگاه و وارد درختک تیم پرسپولیس شود، در بدترین شرایط هم قهرمانی لیگ را در جیب خود دارد و تنها به عناوینی نظیر حضور در فینال لیگ قهرمانان آسیا و موفقیت توأمان در مسابقات جام حذفی و سوپر جام خواهد اندیشید.

در ابتدای مسابقات لیگ برتر فصل جاری و در حالی که تعداد قابل توجهی از ستاره های تیم پرسپولیس راهی لیگ های اروپایی و یا عربی شده بودند، شاید سخت به نظر می رسید که پرسپولیس را در زمره مدعیان قهرمانی نیم فصل بدانیم. شاید با توجه به تجربه و ثبات می توانستیم پرسپولیس رایکی از اصلی ترین شانس های قهرمانی در پایان فصل متصور شویم اما یحیی گل محمدی پس از شکست در فینال لیگ قهرمانان آسیا که به شوک روحی بزرگی برای اردوگاه سرخ منجر شد و همچنین بدون یک سنتر فوروارد شش دانگ، با این صدر نشینی کاری کرده کارستان.

در روزهایی که استقلالی ها ستاره می خریدند و تراکتوری ها به دنبال بستن قدرتمند تیم برای درخشش در مسابقات آسیایی بودند، پرسپولیس بی سر و صدا به ریکاوری پرداخت تا با حداقل گل و امتیاز ممکن به بالاترین جایگاه برسد. پرسپولیس در ماراتنی به صدر نشینی رسید که البته رقبایش محلی از اعراب در مسائل بنیادین و سرنوشت ساز نداشتند؛ استقلال با پرمهره ترین اسکواد لیگ بیستم رؤیای قهرمانی اش را به محمود فکری و کادر فنی تماماً منفعل اش باخت و تراکتور هم به سوءمدیریت های محمدرضا زنوزی، قافیه را واگذار کرد. حالا از آن همه مدعی یک سپاهان مانده که اتفاقاً خوب هم بازی می کند و از جذابیت های لیگ ماست.

نیم فصل دوم آوردگاه رقابت طلایی ها و سرخ ها خواهد بود؛ استقلال و تراکتور با این شرایط فنی در جنگ ستارگان جایی ندارند.

پرونده

گزارش یک

سام سترزاده

معنای واقعی تیم بودن

تیمی که مهاجمش «پرسپولیس» است

ایستگاه پایانی نیم فصل لیگ بیستم، تنها یک سکو برای پرتاب سرخ پوشان پایتخت به صدر جدول نبود؛ بلکه یک فرصت بی بدیل بود برای کندن و دور انداختن برچسب «برد اقتصادی» و بازیابی پرسپولیس بی رحم و ویرانگری که برانکو ایوانکوویچ در لیگ های پانزدهم و شانزدهم به نمایش می گذاشت.

آخرین رقیب پرسپولیس در نیم فصل نخست، در هفته های ابتدایی لیگ خود تیمی با سیری پذیری اندک از گلزنی بود که به واسطه احیای سلاح نیجریه ای فوتبال ایران، گادوین منشا، حتی هفته هایی را در منطقه سهمیه سپری کرد اما روند رو به افول سیرجانی ها در هفته های اخیر با محرومیت ستاره خط آتش شان و امیر قلعه نویی در آمیخت تا به نوعی آنان را از تعویق دیدارشان مقابل قرمزها پشیمان گرداند.

البته بی شک این نابسامانی ها پیروزی بزرگ پرسپولیس را تسهیل کردند اما هیچ کدام دلیل اصلی بازگشت ارتش سرخ به بالاترین نقطه جدول مسابقات باشگاهی نبودند. بازی نزدیک آبی های سیرجان با پرسپولیس در نیمه نخست نیز گواه این امر است. پرسپولیس در ورزشگاه اختصاصی گل گهر با پنج گل بهترین تیم تاریخ این باشگاه را درهم کوبید و آنچه اعتبار این پیروزی مقتدرانه را به کل در جیب یحیی گل محمدی و کادرش می گذارد، «تیم بودن» پرسپولیس به معنای واقعی کلمه است.

قرمزهای پایتخت که امسال در اثنای فصل هم طعم تلخ جدایی بازیکنان را می چشیدند، امسال به ویژه در پست مهاجم میانی با کمبود مهره مواجه شده اند. یحیی گل محمدی ناچار است تیمش را بدون مهاجم آرایش کند اما ها فبک های کناری، ها فبک های دفاعی و حتی مدافعین میانی و کناری خود را به خوبی در موقعیت گلزنی قرار می دهند. هرچند مدافعین میزبان نیز روی این موقعیت های گل بسیار پراشتباه بودند اما نقش بازی زمینی و کارهای تیمی هماهنگ پرسپولیسی ها در پنج گل این دیدار، حتی روی گل به خودی امید زنده روح، غیرقابل انکار است.

در دفاع نیز پرسپولیس با ۸ گل خورده برترین آمار لیگ را به ثبت رساند. دیگر دل کسی در اردوگاه سرخ ها برای شجاع خلیل زاده تنگ نشده. شاید بسیاری بر این عقیده باشند اینکه سیدجلال حسینی با ۳۹ سال سن ستاره این روزهای قرمزپوشان است، از روی ضعف پرسپولیس است اما واقعیت این است که سیدجلال هم به عنوان عضوی از یک مجموعه، اگر گل بزند، در کنار احمد نور و سیامک نعمتی و امید عالیشاه گل می زند و اگر کلین شیت ثبت کند، این کار را در کنار محمدحسین کنعانی و سعید آقایی انجام خواهد داد.

پرسپولیس یحیی در بازی گذشته خودش مقابل پیکان نشان داده بود که بازیکنانش می توانند نزدیک به ۶۰۰ پاس با دقت ۸۸ درصد رد و بدل کنند. مقابل گل گهر، این پرسپولیس چندان مالکانه حاضر نشد و حتی در چند صحنه اجازه تهدید دروازه اش به رقیب را هم داد اما در نهایت، از ۱۲ بخت گلزنی ۵ گل ساخت. ویژگی قابل ستایش این پرسپولیس، انعطاف پذیری بالای تاکتیکی آن است که موجب شده آنها بتوانند حتی برای سازش با یک نیم فصل بدون مهاجم نیز هم فوتبال اقتصادی و هم فوتبال جاه طلبانه را بسته به اقتضای شرایط پیاده سازی کنند.

بی شک اضافه شدن مهدی ترابی، عیسی آل کثیر و یک یا دو خرید پرقدرت دیگر پرسپولیس را در نیم فصل دوم نیز نظیر چهار سال قبل مهارناپذیر خواهد ساخت؛ ولی نظم تیمی مثال زدنی همین اسکواد نحیف سرخ به خودی خود یک پی ریزی فنی قوی است که بسیاری از تیم های لیگ برتر از داشتن آن محرومند. شاید همین یک ویژگی برای تبدیل پوکر تاریخی قرمزها به ری پوکر یا گلات کفایت کند.

واقعیت این است که سیدجلال هم به‌عنوان عضوی از یک مجموعه، اگر گل بزند، در کنار احمد نور و سیامک نعمتی و امید عالیشاه گل می‌زند و اگر کلین‌شیت ثبت کند، این کار را در کنار محمدحسین کنعانی و سعید آقایی انجام خواهدداد

پنالتی

مازیار گیلکان

بازهم پرسپولیس

برای پرسپولیس بازی و بردن و موفقیت و زندگی برای پیروزی پایان ندارد.

آنها نشان داده اند که ولع صدرنشینی دارند و از دل هر ماجرایی عبور می کنند تا به صدر جدول برگردند. پرسپولیس از این منظر می تواند برای بسیاری از تیم های کوچک الهام بخش باشد و البته رقبای بزرگش را به جدلی سخت در زمین مسابقه دعوت کند. چه از این بهتر که تیمی اینچنین سختکوش در معرکه لیگ بدرخشد؟

پرسپولیس هر بار برای موفقیت تمام موفقیت های پیشین را فراموش می کند تا ولع پیروزی داشته باشد.

سالهاست بعد از هر موفقیت پرسپولیس دوباره آغاز می کند و دوباره برای بردن و موفق شدن آماده می شود.

این مهمترین ویژگی قرمزهاست و موفقیت های پی در پی را همواره می سازد و نوید می دهد.

پرسپولیس با از دست دادن مربی کنار آمد، با از دست دادن بازیکن کنار آمد، با مربیان جدید خو گرفت، بازیکنان جدید را دوباره ساخت و همه این کارها ساده نیست بلکه از میل آنها به موفقیت سرچشمه می گیرد، یک اشتیاق جمعی که در پرسپولیس پدید آمده و به همه اعضای این تیم واگیر دارد.

بعید است این روند جذاب قرمزها متوقف شود. آنها یاد گرفته اند که چطور در هر شرایطی دوباره برای پیروز شدن آماده شوند و این می تواند داستان دنباله دار قرمزها باشد و با مربیان و بازیکنان دیگری ادامه پیدا کند.

برای موفقیت پرسپولیس می توانید هزار نکته ردیف کنید، حتی امکانات و فرصت هایش را به رخ بکشید که شاید به فرض از تیم های دیگری دریغ شده اما واقعیت این است که فقط یک مجموعه موفق می تواند این فرصت ها را متعلق به خود کند.

یحیی گل محمدی درباره ۵ گلی که تیمش به گل گهر زد، می گوید: «برای خودم هم این نتیجه غیرقابل تصور است، ولی وقتی توپ وارد دروازه شود، این نتیجه هم رقم می خورد. ما در خیلی از بازی ها موقعیت زیاد داشتیم، ولی استفاده نکردیم، از جمله بازی با مس رفسنجان، ولی امروز توپ ها وارد دروازه شدند و موفق شدیم این نتیجه را به ثبت برسانیم.»

یحیی به شانس و بدشانسی اشاره می کند و گاه در فوتبال این حرف ها صحت دارد اما مهمتر از این شانس یا بدشانسی، کاراکتر تیمی است که پرسپولیس به آن رسیده، شخصیت و جایگاهی که تیم برای خود قائل است.

نفر به نفر

سامان موحدی راد

پرسپولیس معمولی، دوباره خاص شد

بازگشت به تنظیمات کارخانه

سرانجام این لیگ یک بازی پرگل به خود دید؛ دیدار زیبای پرسپولیس و گل گهر که با پنج گل دیدنی و تعداد زیادی گل نزده از سوی هر دو تیم. پرسپولیس به خانه قدیمی خود یعنی صدر جدول بازگشت. تعداد گل هایی که تیم امیر قلعه نویی دریافت کرد، موجب شد تا موج بزرگی از کل کل فوتبالی بعد از این بازی روی بدهد. شور و هیاهویی که شاید کار مهم یحیی گل محمدی در پرسپولیس را کمی کمرنگ کرد.

پرسپولیس در چند سال اخیر همیشه در قامت یک قهرمان و تیم برتر لیگ ایران بود. تفاوت سطح این تیم با سایر رقبایش در لیگ ایران به خوبی قابل مشاهده بود. در واقع پرسپولیس بسیاری از آپشن هایی که تیم های ایران در آرزویش بودند را در این سال ها کسب کرده بود. تیمی بی حاشیه که تنها به قهرمانی فکر می کرد و تقریباً هیچ گاه تمرکزش به هم نریخت اما پرسپولیس در پاییز و زمستان امسال برای اولین بار به دردی مبتلا شد که تیم های ایرانی از آن رنج می برند و پرسپولیس هم در گذشته بارها به آن دچار شده بود. آنها بعد از شکست در فینال لیگ قهرمانان آسیا چندین و چند بازی را از دست دادند و نهایتاً در برابر آلومینیوم بازی را واگذار کردند. نمایش ضعیف تیم یحیی در آن چند بازی در کنار دعوا و جنجالی که حول تیم و باد عوای یحیی گل محمدی و رسول پناه شکل گرفته بود، نهایتاً منجر شد تا پرسپولیس خیلی زود به یک تیم معمولی تبدیل شود که حتی در زمین آلومینیوم هم شکست می خورد. شاید از دست دادن امتیازات در همان چند بازی موجب شد تا یحیی گل محمدی که آن روزها در خط مقدم دعوا با رسول پناه بود، خیلی خوب بفهمد که چنین رفتارهایی مهلک ترین سم برای او و تیمش است. برای همین خیلی زود به جایگاه اصلی خود بازگشت و پرسپولیس را به تنظیمات کارخانه بازگرداند. تنظیماتی که فقط قهرمانی می خواهد و صدرنشینی. آنها نهایتاً با انجام بازی های عقب مانده خودشان جایگاه خودشان را از رقبا بازپس گرفتند و خط و نشانی هم برای سایر رقبا کشیدند که اوضاع از این پس در لیگ چگونه خواهد بود.

پرسپولیس که تا پیش از این با بردهای اقتصادی یک بر صفر به صدر نزدیک شده بود، یکباره در یک جشن پرگل صدر را تصاحب کرد. نگاهی به ستاره های این تیم برای رسیدن به صدرنشینی هم به خوبی نشان می دهد که ثبات تیمی در پرسپولیس مهم ترین چیز است. حتی نبود مهاجم یک هم در این تیم مهم نبود و آنها با تک گل های سه امتیازی احمد نوراللهی و سیدجلال حسینی خودشان را به صدر جدول رساندند. نگاهی به رقیب این تیم نشان می دهد که استقلال با داشتن ۳ مهاجم درجه یک جایی در میان گل زن های برتر لیگ ندارد و پرسپولیس در فصلی بی مهاجم، احمد نوراللهی را با ۶ گل به عنوان چهارمین گلزن لیگ می بیند. همین مسأله به خوبی نشان می دهد که یحیی و تیمش چه کار بزرگی را انجام داده اند. حرکت در مسیر قهرمانی و فراموشی هر چیزی که تمرکز تیم را به هم می زند.